پس از آن که ستاره تیم ملی فوتبال آرژانتین ضربه پنالتی این تیم در برابر ایسلند را از دست داد، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی با انتشار پیامی توئیتری به این موضوع واکنش نشان داد. به گزارش تایمز آو اسرائیل، لیبرمن در اظهاراتی این مطلب را القا کرد که لیونل مسی، از آن جهت نتوانست ضربه پنالتی این تیم در برابر ایسلند را به گل تبدیل کند که آرژانتین در لحظه آخر از بازی تدارکاتی در برابر تیم رژیم صهیونیستی انصراف داده بود!

## کنایه وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به لیونل مسی!

گزارش تحلیلی

آخرین تقلای ائتلاف متجاوز عربی برای فرار از شکست در یمن

## نبرد مرگ و زندگی در حدیده

بیش از یک ماه از انتشار اولین خبرها از آغاز عملیات «ائتلاف عربی» به رهبری عربستان و با مشارکت فعال امارات عربی متحده برای اشغال خط ساحل غربی و استان حدیده یمن می گذرد. اولین خبر، ۱۹ اردیبهشت اعلام شد و تا امروز ۲۶ خرداد ماه، تاکنون حداقل سه تا چهار بار، خبر آغاز عملیات های جدید در جبهه ساحل غربی یمن از رسانه های سعودی و اماراتی و دیگر رسانه های همسو با آنان منتشر شده است. جدیدترین عملیات ائتلاف سعودی اماراتی و شبه نظامیان متحد آنان که بسیاری از آنان «نیروهای اجاره ای» از دیگر کشورها به خصوص از کشورهای آفریقایی هستند، «پیروزی طلایی» نام گذاری شده است. حالا هر چند رسانه های سعودی مثل العربیه مدعی تسلط «ائتلاف عربی» بر فرودگاه حدیده هستند، اما منابع میدانی می گویند نبردی شدید در اطراف فرودگاه در جریان است و اخبار رسانه های سعودی جنگ روانی به موازات نبرد میدانی است. حدیده یکی از استان های شمالی یمن است و در امتداد سواحل دریای سرخ قرار دارد. موقعیت بندر حدیده نیز با توجه به گسترش به سمت تنگه باب المندب در جنوب و مرزهای دریایی عربستان سعودی در شمال، جایگاه ویژه ای به این شهر داده است. این شهر در بیش از سه سال گذشته به دلیل موقعیت استراتژیک اش مورد توجه استراتژیست های نظامی عربستان و امارات بوده است. حدیده در جنگ یمن به عرصه ای مهم برای آموزش نیروهای نظامی و داوطلبانه مردمی برای دفاع در برابر نیروهای متجاوز تبدیل و باعث شد مناطق سواحل غربی شهر به مناطق رعب آور و تهدید آمیز برای کشتی های نظامی ائتلاف متجاوز تبدیل شود. همچنین نیروهای مقاومت مردمی، حدیده را عرصه ای برای حفاظت از عمق استراتژیک خود می دانند و سعی کرده اند تا بیشترین حد ممکن از این شهر و بندر و زیرساخت ها و فرودگاه های آن حفاظت کنند. حدیده دومین بندر بزرگ یمن به شمار می رود و قادر است کشتی هایی با محموله ۳۱ هزار تنی با عرض حدود ۱۰ متر و طول ۲۵۰ متر را بپذیرد. مهم ترین ویژگی های بندر حدیده را می توان در نزدیک بودن به خطوط جهانی دریانوردی، نبود بادهای موسمی در این بندر و برخورداری از شرایط مثبت طبیعی نظیر امواج و جریان های آبی برشمرد. از این رو این بندر از طریق عوارض گمرکی که عاید نیروهای الحوثی می کند، خدمت بزرگی به اقتصاد جنگ در میان نیروهای مدافع یمن کرده است. از همین رو نیروهای متجاوز به بهانه آن که این مسیر، مهم ترین گذرگاه دست یابی انصارا... به تسلیحات است، تلاش می کنند تا بر الحدیده مسلط شوند. بنابراین ائتلاف عربستان در دو روز گذشته با افزایش نیروهای نظامی خود و ارسال صدها تانک و تجهیزات نظامی دیگر و استفاده از مزدوران داخلی یمن و جدایی طلبان شورشی به دنبال اشغال این منطقه است. از نگاه عربستان و متحدین اش، تصرف حدیده می تواند جنگ یمن را از فاز فرسایشی خارج سازد و بر معادلات درگیری نظامی به نفع آن ها اثر مثبتی بگذارد. این شهر دروازه ورود به عمق استراتژیک نیروهای مقاومت و اشغال راحت استان های مرکزی یمن به ویژه صنعاست. بنابراین نبرد در حدیده شدیدترین محور درگیری های موجود در یمن از سه سال قبل تا امروز است. در همین زمینه نیروهای عربستان و امارات پس از مهلت سه روزه، عملیات نظامی خود را برای اشغال این شهر را هبردی آغاز کردند. طبق ارزیابی های سازمان ملل متحد هم اکنون بیش از ۶۰۰ هزار نفر در منطقه ساحلی الحدیده زندگی می کنند و استفاده عربستان از نیروی هوایی و تاکتیک موشک باران گسترده شهر، جان عده زیادی از غیرنظامیان را در معرض خطر قرار داده است. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) نیز هشدار داده است که این حمله جان ۳۰۰ هزار کودک یمنی را تهدید می کند. مسئله مهم در این درگیری، تاثیر جنگ حدیده بر زندگی دیگر ساکنان یمن است که از کمبود گسترده غذا و دارو رنج می برند. براین اساس تصمیم عربستان و امارات متحده عربی با همکاری آمریکا برای شروع این نبرد، هدف قرار دادن جان هزاران یمنی غیرنظامی است. در واقع اگر چه در شرایطی که دیدار تاریخی دونالد ترامپ و کیم جونگ اون و تصمیم کره شمالی به خلع سلاح هسته ای، تیتر یک اخبار جهان بود حمله به حدیده آغاز شد، اما همان طور که شواهد نشان می دهد، آمریکا نقش مهمی در شروع این نبرد داشته است. در همین زمینه نشریه اینتلیجنس سرویس فرانسه درباره نقش و کارکرد آمریکا در این جنگ نوشت امارات افسران آمریکایی را برای بهبود عملکرد نیروهای زمینی خود در جنگ یمن به کار گرفته است. اسکات پول کارشناس مسائل یمن در موسسه آکسفام آمریکا نیز با اشاره به واکنش کاخ سفید به اخبار مربوط به آغاز جنگ در حدیده گفت: تنها اتفاقی که در این زمینه رخ می دهد، هشدار دادن درباره حمله نکردن و عواقب وخیم آن است و این واکنشی سست از سوی مقامات آمریکایی و شخص وزیر امور خارجه است. کریس مورفی سناتور آمریکایی هم با بیان حمایت آمریکا از حمله هوایی دوشنبه گذشته ضد تاسیسات پزشکی سازمان پزشکان بدون مرز که برای مداوای وبا به یمن رفته اند، خاطر نشان کرد: واشنگتن از متجاوزان در یمن پشتیبانی می کند. حمایت یا به نوعی سکوت ایالات متحده در خصوص نقض تمامیت ارضی یمن و حمله به تنها مسیر ورود دارو، غذا و سوخت این کشور در کنار کمک های اطلاعاتی و مشاوره ای به عربستان و امارات، حکایت از حضور غیرمستقیم اما بسیار اثرگذار آمریکا در این جنایت و اقدام غیرقانونی دارد. بیش از سه سال کوبیدن بر طبل جنگ به جزویرانی یمن، کشتار ساکنان آن و ایجاد بزرگ ترین بحران انسانی، هیچ دستاورد ملموسی برای ائتلاف متجاوز به رهبری عربستان سعودی نداشته و این در حالی است که هزینه های این تجاوز چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ بی اعتبار شدن دلایل اولیه دولت های متجاوز در حمله به یمن و درخواست جهانی برای پایان دادن هر چه سریع تر به این حمله وحشیانه روز به روز بیشتر می شود. این امر منجر شده تا تمام بازیگران پشت پرده نیز اکنون نقاب های حقوق بشر دوستانه خود را کنار نهند و علناً به کمک عربستان و امارات بشتابند تا از شکستی مفتضحانه در یمن رهایی یابند. اما تمایل عربستان به کنترل تمام مرزهای آبی یمن و ورود به حدیده با هدف نفوذ به عمق استراتژیک انصارا...، دورنمای جنگی طولانی را در این شهر نشان می دهد که می تواند در سایه بی تفاوتی نهادهای بین المللی به فاجعه انسانی به مراتب بزرگ تر از قبل در یمن منجر شود.

کُردها برای مذاکرات مستقیم و بدون پیش شرط با دمشق اعلام آمادگی کردند

# چرخش استراتژیک کُردهای سوری

نیروهای سوریه دموکراتیک با انتشار بیانیه ای از آمادگی برای مذاکره بدون قید و شرط با حکومت مرکزی سوریه اطلاع دادند. این بیانیه شاید در ابتدا چندان دارای اهمیت به نظر نرسد اما واقعیت آن است که هر گونه آغاز مذاکره میان دمشق با نیروهای سوریه دموکراتیک که اکثریت آن ها را کردها تشکیل می دهند، می تواند زمینه ساز چرخشی بزرگ در معادلات میدانی به ضرر آمریکا و به نفع محور مقاومت و دمشق ارزیابی شود. در همین زمینه، حکمت حبیب، عضو هیئت رئیسه شورای سوریه دموکراتیک نیز در گفت و گو با خبرگزاری فرانسه اظهار می کند: نیروهای ما برای گشایش باب گفت و گو جدی هستند، حال که می گوییم برای مذاکره آماده ایم، هیچ پیش شرطی برای آن نداریم. همچنین، این عضو هیئت رئیسه شورای سوریه دموکراتیک تاکید می کند: تمام گروه های خارجی از جمله ائتلاف ضد داعش به منزله مداخله گرهای خارجی قلمداد می شوند و ما امیدواریم در مرحله بعد تمامی گروه های نظامی موجود در سوریه از کشور خارج شوند و گفت و گوی سوری-سوری برای حل بحران از سر گرفته شود. ایراد این اظهارات به وضوح، نمایانگر چرخشی بنیادین در مواضع کردهای سوریه درباره معادلات این کشور است. در گفته های حکمت حبیب دو نکته مهم قابل توجه هستند. یکی این که نیروهای خارجی از جمله ائتلاف ضد داعش که از تابستان ۲۰۱۴ به رهبری آمریکا به بهانه مقابله با داعش ایجاد شده و در کشورهای عراق و سوریه عملیات هوایی متعددی را انجام داده اند و نیز حامی اصلی نیروهای دموکراتیک سوریه بوده اند، اشغالگر هستند و باید از این کشور خارج شوند. نکته دارای اهمیت دیگر، این که کردهای سوریه خواهان مذاکره سوری - سوری یعنی همان اصل مورد تاکید دمشق طی سال های گذشته هستند. اکنون با تمام این اوصاف، این پرسش مهم مطرح می شود که چرا کردهای سوریه در شرایط کنونی چنین چرخش مواضعی را اتخاذ کرده اند؟ در پاسخ به این پرسش در ابتدا ضروری است که روند قدرت گیری و نقش آفرینی کردهای سوریه در تحولات این کشور پس از آغاز بحران در سال ۲۰۱۱ به اختصار مورد بحث قرار بگیرد سپس در قالب سه علت دلایل این چرخش مهم واکاوی شود.

**■ گذار به کانتونیسم و فدرالیسم خودخوانده**

کردها بر اساس آمارهای غیر رسمی با حدود یک و نیم تا دو میلیون جمعیت ۱۰ درصد از ساکنان کشور سوریه را تشکیل می دهند. آن ها در سال های قبل از ۲۰۱۱ اکثرا جمعیتی حاشیه ای و بدون ساختار تشکیلات سیاسی منسجم بودند که جایگاه چندانی نیز در حکومت نداشتند. اما پس از آغاز بحران داخلی در سوریه وضعیت برای این گروه قومی به طور کامل دگرگون شد. کردهای سوریه تحت رهبری حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) شاخه سوری حزب کارگران کردستان (PKK) با اعلام سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک، تلاش کردند از خلأ قدرت موجود استفاده و در قالب سه کانتون بر شمال سوریه اعمال حکومت کنند. منطقه مد نظر کردها در قالب نظام کانتونی در صورت الحاق تمامی بخش های آن به یکدیگر از روستای عین دیوار که در محدوده شهر دیرک که یکی از شهرهای استان حسکه است، شروع می شد و هم جوار با مرزهای ترکیه به سمت غرب در ناحیه اسکندرون خاتمه پیدا می کرد. کردها با ادامه روند بحران در سوریه و برای رسمیت بخشیدن به سیستم خودمختاری دموکراتیک و نظام کانتونی مد نظر خود به صورت رسمی در ۲۰۱۴/۱/۲۲ اولین کانتون خود را در جزیره تاسیس کردند. همچنین، در ۲۰۱۴/۱/۲۷ کانتون کوبانی و در ۲۰۱۴/۱/۲۹ کانتون عفرین ایجاد شدند. سیستم ریاست مشترک برای کانتون ها در نظر گرفته شد و هیئت وزیران ۲۲ نفره برای اداره هر کانتون مد نظر قرار گرفت. در سال ۲۰۱۴ کردها مقاومت کوبانی را در برابر داعش خلق کردند و از ابتدای سال ۲۰۱۵ با حمایت های آمریکا آن ها در قالب دو نیروی یگان های مدافع خلق (YPG) و یگان های محافظ زنان (YPJ) پیشروی قابل ملاحظه ای داشته اند. کردها در ابتدا با شکستن حصر کوبانی، با حمایت های ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا موفق شدند کرانه جنوبی و جنوب شرقی استان حسکه را نیز از نیروهای داعش پاک سازی کنند. سپس روند پیشروی کردها با کنترل منطقه تل ابیض (گری سپی) موقعیتی خاص را برای خود ایجاد کردند. سپس با فرماندهی کردهای سوریه، «نیروهای سوریه دموکراتیک» در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۵ با حمایت آمریکا تشکیل شد. نیروهای سوریه دموکراتیک پس از تاسیس به سمت غرب کانتون کوبانی پیشروی و سد تشرین در شهرستان «منبج» در استان حلب را کنترل کردند. همچنین، نیروهای دموکراتیک سوریه در آگوست ۲۰۱۶ کنترل شهر استراتژیک «منبج» را در دست گرفتند. سپس در میانه تحولات سال ۲۰۱۶ در ماه مارس، پس از دعوت نشدن کردها به مذاکرات صلح سوریه در کنفرانس ژنو ۳، در ۱۷ مارس ۲۰۱۶، «فدراسیون روژاوا در شمال سوریه» با حضور ۲۰۰ نفر از اعضای کرد، عرب، ترکمن، آشوری و... کانتون های سه گانه و با انتخاب هیئت رئیسه ای ۳۱ نفره از میان این اعضا، اعلام شد. در ادامه این روند رو به رشد، در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۷ مهم ترین پیروزی نیروهای دموکراتیک سوریه در رقه پایتخت داعش رقم خورد. با تمام این پیروزی ها سال ۲۰۱۸ را می توان چرخش بزرگ در وضعیت نیروهای دموکراتیک سوریه و کردهای سوریه تلقی کرد. در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ ارتش ترکیه به همراه شبه نظامیان تحت حمایت خود در قالب عملیات «شاخه زیتون» حمله به کانتون عفرین را آغاز کرد و پس از ۵۸ روز مقاومت کردهای سوریه در ۱۸ مارس موفق به اشغال این منطقه شدند. در ماجرای عفرین کردهای سوریه به شدت از عملکرد و کنش های آمریکا اظهار نارضایتی داشتند و به نوعی خود را قربانی خیانت آمریکا تلقی می کردند اما سیه بختی کردهای سوریه در سال ۲۰۱۸ با سقوط عفرین خاتمه پیدا نکرد، بلکه در ۵ ژوئن ۲۰۱۸ (۱۵ خرداد ۱۳۹۷) در پی مذاکره مولود چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه و مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در واشنگتن، توافق میان دو کشور برای خروج نیروهای سوریه دموکراتیک از شهر منبج به نتیجه رسید. تا جایی که نظامیان کرد سوری مجبور به ترک منبج و حرکت به سمت شرق فرات شدند. در این وضعیت کردهای سوریه در مواضع خود درباره همکاری با آمریکا دچار تردیدهای بزرگی شده اند.

**■ بدعهدی آمریکایی ها با کردها**

مهم ترین علت چرخش در مواضع کردهای سوریه برای مذاکره با دمشق را می توان بدعهدی آمریکایی ها یا به عبارت خود کردهای سوریه خیانت و اشنگتن به آن ها ارزیابی کرد. کردهای سوریه از اواخر سال ۲۰۱۴ در مقام بزرگ ترین متحد و اشنگتن در صحنه سیاسی سوریه حاضر شدند و به عبارتی بسیاری از تحلیل گران آن ها را پیاده نظام ارتش آمریکا در عرصه معادلات میدانی سوریه ارزیابی می کردند اما بر خلاف تصورات کردهای سوریه، آمریکا در مسئله حمله ترکیه به عفرین هیچ حمایتی از کردها نداشت و در منبج نیز آن ها قربانی سازش پشت پرده و اشنگتن با آنکارا شدند. اکنون شاهد هستیم کردهای سوریه به این نتیجه رسیده اند که باید در اتحاد خود با ائتلاف ضد داعش بازبینی کنند. در همین زمینه صالح مسلم رئیس مشترک پیشین حزب اتحاد دموکراتیک و مسئول امور سیاست خارجی جنبش جامعه دموکراتیک (Tev-Dem) در گفت و گوی با آژانس خبری «دی پی ای» آلمان درباره توافق آمریکا و ترکیه بر سر منبج اظهار می کند: «امیدوار بودیم که چنین رخدادی اتفاق نیفتد اما متاسفانه آن چه که نباید رخ می داد، اتفاق افتاد.» مسلم افزود: «در وضعیت کنونی کنترل ما در دستان خودمان است و آمریکا نمی تواند به جای ما تصمیم بگیرد بنابراین، همان گونه که آمریکایی ها منافع خود را دارند ما هم بر اساس منافع خود تصمیم می گیریم. ما (کردهای سوریه) برده و خدمت گزار کسی نیستیم. در نتیجه اگر منافع ما اقتضا کند، با هر نیرویی از جمله روسیه و حکومت مرکزی سوریه وارد مذاکره و ائتلاف خواهیم شد. به طور حتم مناسبات ما با آمریکا همیشگی نیست و می تواند دچار دگرگونی شود.» ایراد این اظهارات بدین معناست که کردهای سوریه تصمیم قطعی خود را برای مذاکره با حکومت مرکزی و دور شدن از آمریکا گرفته اند.

> کردهای سوریه از اواخر سال ۲۰۱۴ در مقام بزرگ ترین متحد و اشنگتن در صحنه سیاسی سوریه حاضر شدند و به عبارتی بسیاری از تحلیل گران آن ها را پیاده نظام ارتش آمریکا در عرصه معادلات میدانی سوریه ارزیابی می کردند اما بر خلاف تصورات کردهای سوریه، آمریکا در مسئله حمله ترکیه به عفرین هیچ حمایتی از کردها نداشت و در منبج نیز آن ها قربانی سازش پشت پرده و اشنگتن با آنکارا شدند

**■ ترکیه و تهدید جدی موجودیت کردها**

دیگر دلیل کردهای سوریه برای بازبینی در مناسبات خود با آمریکا و مذاکره با حکومت مرکزی سوریه را می توان در تهدید موجودیت آن ها توسط ترکیه، در نتیجه توافقات احتمالی آینده میان آنکارا و اشنگتن ارزیابی کرد. در همین زمینه، صالح مسلم در بخشی از گفت و گوی خود با آژانس خبری «دی پی ای» آلمانی اظهار می کند: «ما برای آزادسازی منبج از کنترل داعش با ریخته شدن خون نیروهای خود تلاش کردیم اما آمریکا خیانت کرد و ما نگران تصمیمات آینده و توافقات احتمالی آینده آن ها با ترکیه هستیم. این ستمی بزرگ بود که آمریکا بر ما روا داشت؛ بنابراین هر احتمالی برای توافق با دمشق وجود دارد.» واقعیت آن است که اظهارات مسلم، نشان می دهد که کردهای سوریه حتی برای به خطر افتادن موجودیت خود نگران هستند. از این که ترکیه مناطق تحت کنترل آن ها را اشغال کند و ساختار دموگرافی آن را تغییر دهد به شدت واهمه دارند.

**■ ناچار بودن در پذیرش حاکمیت دمشق**

یکی دیگر از علت های رغبت نیروهای دموکراتیک سوریه برای مذاکره با حکومت مرکزی سوریه را می توان در روند معادلات میدانی چند وقت اخیر کشور سوریه ارزیابی کرد. در نتیجه موفقیت های دمشق در شکست تروریست ها در جبهه های مختلف، اکنون کردهای سوریه می دانند در مرحله بعدی آن ها یا باید حاکمیت دمشق را بپذیرند یا این که وارد جنگی با ارتش سوریه شوند که شکست آن ها در این جنگ حتمی به نظر می رسد. از سوی دیگر کردهای سوریه از این امر آگاهی دارند که بر اساس قواعد بین المللی و نیز قانون اساسی داخلی سوریه، حکومت مرکزی از مشروعیت کامل برای کنترل بر تمام محدوده سرزمین کشور برخوردار است. بنابراین، در وضعیت کنونی آن ها با اطلاع از ابعاد این مسائل به سمت مذاکره با دولت مرکزی برای در امان ماندن از حملات ترکیه و تامین منافع خود در آینده سوریه گرایش یافته اند.

نگاهی به پیامدهای افتتاح دفتر سفارت دوفاکتو واشنگتن در تایوان

# پای آمریکا روی دم اژدهای زرد

منطقه شرق آسیا در زمره اولین مناطقی است که با گذشت زمان چارچوب های اصلی و اساسی سیاست های آمریکا در آن به نسبت دیگر مناطق در دوران دولت ترامپ از وضوح و شفافیت بیشتری برخوردار می شود. بر همین اساس در حالی که نگاه رسانه ها و افکار عمومی جهان به سنگاپور و دیدار تاریخی ترامپ و کیم جونگ اون دوخته شده بود، دولت آمریکا در اقدامی متهورانه، از دفتر نمایندگی اش در پایتخت تایوان رونمایی کرد. هزینه ساخت این مرکز دیپلماتیک حدود ۲۵۰ میلیون دلار برآورد شده است. رئیس جمهور تایوان تسای انگ ون که در مراسم افتتاحیه حضور داشت تاکید کرد که دولت او به "رابطه حیاتی" با آمریکا متعهد است. افتتاح سفارت دوفاکتوی ایالات متحده در تایپه و تلاش ترامپ برای نفوذ در کره شمالی را می توان سرآغاز حملات دیپلماتیک و غیر مستقیم ایالات متحده به چین برشمرد که وارد مرحله جدید و خطرناکی نسبت به گذشته شده است. ترامپ پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، با پذیرش تماس تلفنی تبریک از سوی تسای انگ ون، پروتکل دیپلماتیک سنتی روسای جمهور پیشین آمریکا را کنار گذاشت. وی همچنین در ماه فوریه، قانون تایوان را امضا کرد که اجازه فروش فناوری زیر دریایی به تایوان و همچنین سفر مقامات بلندپایه ایالات متحده به این جزیره را می دهد. از سوی دیگر روابط ایالات متحده و چین در ماه های اخیر به دلیل اختلافات در دریای چین جنوبی و مبادلات تجاری تنش زا دنبال شده است. در این شرایط افتتاح یک سفارت خانه حتی به صورت دوفاکتو از سوی بزرگ ترین رقیب سیاسی و اقتصادی چین در این منطقه، با هدفی جز تحت فشار قرار دادن پکن و تلاش برای ایجاد یک نقطه بحرانی در کنار مرزهای این کشور نیست.

**■ آمریکا و چرخش به شرق**

راهبرد چرخش به شرق که در دوران اوباما مطرح شد، ریشه در شناخت رقیب قدرت هژمونیک آمریکا در چند دهه آینده داشت. هدف غایی این راهبرد جلوگیری از رسیدن چین به بلوغ ژئوپلتیک است. رویکرد چین برای ورود به باشگاه قدرت های بزرگ، اقتصادی و دوری گزینی از سیاست های تهدیدزای امنیتی-نظامی بود. بر همین اساس آمار گویای جایگزینی این کشور با آمریکا در ۳۰ سال آینده است. چین با رشد اقتصادی پایدار گام به گام به عنوان قدرت اقتصادی در عرصه جهانی ظاهر شد و با میزان صادرات بالا و پس از آن با عبور از کشورهای توسعه یافته از نظر حجم اقتصادی و نیز سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه و نیز مشارکت در ایجاد موسسات مالی و بانکی و نیز شرکت در پیمان های اقتصادی و سیاسی از جمله عضویت در گروه اقتصادی جی ۲۰، تاسیس و عضویت در کشورهای گروه شانگهای، عضویت در بریکس و در پایان با ایجاد بانک آسیایی سرمایه گذاری در توسعه زیرساخت ها در مسیر پرشتابی برای تبدیل شدن به رقیب آمریکا قرار گرفت. موسسه «پرایس واتر هاوس کوپرز» پیش بینی کرده است تا سال ۲۰۳۰ میلادی، آمریکا برتری خود را در حوزه اقتصاد جهانی از دست می دهد و تا سال ۲۰۵۰ میلادی، چین فاصله خود را با آمریکا به طرز قابل توجهی افزایش می دهد؛ این در حالی است که پیش بینی می شود تولید ناخالص داخلی چین تا سال ۲۰۵۰ میلادی، به ۵۸ تریلیون و ۵۰۰ میلیون دلار، هند به بیش از ۴۴ تریلیون دلار و آمریکا هم به ۳۴ تریلیون و یکصد میلیارد دلار برسد. اما در یک دهه اخیر رهبران چین، با استفاده از بنیه اقتصادی قدرتمند خود نیم نگاهی هم به عرصه نظامی انداخته اند. ماحصل این رویکرد، افزایش میزان نیازمندی های استراتژیک بازیگران منطقه ای به چین بود که در برخی اوقات با تغییر جهت گیری های متحدین آمریکا به سمت پکن نیز همراه بوده است. از این رو دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده متوجه شد لنگرگاه های سنتی این کشور برای مهار چین در منطقه یعنی ژاپن و کره جنوبی دیگر از توان لازم برخوردار نباشند.

**■ «اول آمریکا»ی ترامپ برای مهار چین**

در ادامه این روند و با روی کار آمدن دونالد ترامپ، سیاست های مهار چین نه تنها ادامه یافت بلکه با ورود به مرحله جنگ تجاری شدت بیشتری گرفت. تا پیش از این کمتر کسی احتمال می داد کاخ سفید برای مقابله با رقبای تجاری خود از اصول تجارت آزاد که یکی از بانیانش خود آمریکا بود، عدول کند. اما ترامپ، تاجری که تنها ۵۰۰ روز است به طور رسمی اولین پست سیاسی زندگی خود را به دست آورده، نشان داد برای غلبه بر رقیب اقتصادی آمریکا دست به هر کاری خواهد زد. منطقه شرق آسیا، تنها منطقه در سیاست بین الملل است که استعداد ظهور قدرت هژمون را هم اکنون در خود دارد بر این اساس یکی از اهداف جدی سیاست های دولت ترامپ، تلاش فوری برای جلوگیری از تسلط چین در منطقه آسیا پاسفیک و فریز کردن توان مانور این کشور در دیگر مناطق است. آمریکا متوجه است اگر به مدیریت معادلات شرق آسیا ورود نکند، گریز چین از نظم و الگوی سنتی مستقر و آمریکا محور بسیار قریب الوقوع است. حرکت و تلاش مقامات پکن برای کسب دستاوردهای بیشتر در این حوزه جغرافیایی و دریای جنوبی چین باعث شده تا احساس تهدید در برخی از متحدین منطقه ای ایالات متحده نیز بیشتر از گذشته شود. در همین زمینه، استفاده از تایوان به عنوان مهره ای برای فشار بر چین یکی از ابزارهای سیاست آمریکا در شرق آسیا به شمار می رود زیرا تایوان یکی از مسائل بسیار حساس برای چین محسوب می شود. مسئله جدایی و درگیری چین و تایپه به سال ۱۹۴۹ و پیروزی کمونیست ها برمی گردد. در پی جنگ داخلی چین در سال ۱۹۴۹، کومینتانگ (حزب ناسیونالیست چین) حزب حاکم کشور تمامی سرزمین اصلی این کشور را به حزب کمونیست چین واگذار کرد. در نتیجه دولت جمهوری چین به ریاست چیانگ کای شک در جزیره تایوان مستقر شده و شهر تایپه را به عنوان پایتخت موقت دولت در تبعید این کشور برگزید و خود را همچنان دولت مشروع سرزمین اصلی چین و مغولستان می دانست. این در حالی است که از آن هنگام تاکنون دولت جمهوری خلق چین بر سرزمین اصلی حکومت می کند. با این حال طی حدود ۷۰ سال گذشته، چین بارها به اقدامات استقلال طلبانه تایوان واکنش نشان داده است و نکته مهم آن که پکن هرگز استفاده از زور برای بازگرداندن تایوان زیر پرچم خود را رد نکرده و گفته اگر لازم باشد، دست به چنین کاری می زند. در این میان، آمریکا اگرچه در سال ۱۹۷۹ روابط دیپلماتیک اش را با تایوان قطع کرد اما همچنان متحد اصلی این منطقه و تامین کننده اصلی سلاح آن باقی ماند و مقامات چین بارها به این مسئله واکنش نشان دادند. استراتژیست های آمریکایی به ناتوانی و شکست الگوهای بازدارندگی بومی و منطقه ای واقف شده اند از این رو بر آن هستند تا با افزایش حضور خود در شرق آسیا، چین را در محاصره قرار دهند. درگیر کردن و ایجاد کانونی برای صرف هزینه و وقت چین در نزدیکی مرزهایش، می تواند از توسعه طلبی در دریای جنوبی بکاهد. اما به طور قطع پکن در قبال تقویت مناسبات سیاسی تایوان با ایالات متحده سکوت نخواهد کرد و همان طور که سال قبل اخباری درباره آرایش نظامی چین علیه تایوان منتشر شد، این گمانه وجود دارد که رهبران این کشور برای جلوگیری از رسمی شدن روابط تایپه و کاخ سفید، دست به تحرکات نظامی دیگری بزنند. افزایش تهدیدات امنیتی چین علیه تایوان، یکی از اهداف آمریکا در منطقه است تا از این طریق خطر پکن برای همسایگانش مشهودتر شود. این مسئله به توجه به اختلافات ارضی که چین با همسایگانش از جمله ژاپن، تاجیکستان، مغولستان و هند دارد به نفع آمریکا تمام خواهد شد. بنابراین افزایش صادرات تسلیحات و تقویت پیوندهای امنیتی-نظامی اولین دستاورد این سیاست برای واشنگتن است. رشد ۲۰۲ درصدی واردات تسلیحات ویتنام و تغییر رتبه این کشور از رتبه ۲۹ به رتبه ۱۰ در واردات تسلیحات و همچنین رشد ۴۲۶ درصدی واردات تسلیحات فیلیپین را شاید بتوان در نتیجه همین ادراک تهدید در نتیجه قدرت یابی چین و همچنین برجسته سازی تهدید این کشور توسط آمریکا در منطقه دانست. بر این اساس همان طور که اشاره شد، افتتاح دفتر نمایندگی آمریکا در تایوان آغاز بحرانی فراگیر در شرق آسیاست که در صورت عقلانی رفتار نکردن کشورهای منطقه، می تواند اقتصاد رو به توسعه آن ها را نابود و زمینه ساز درگیری های مرزی شود.

تحلیل رسانه ها

افزایش انتقادات داخلی و بین المللی به کاخ سفید در توافق با کره شمالی

## هنر معامله ترامپ یا اون؟

مطمئناً هنگامی که ترامپ کتاب خود را با عنوان «هنر معامله» منتشر می کرد فکرش را هم نمی کرد که روزی درباره حل یکی از مهم ترین پرونده های بین المللی بر اساس خط مشی وی نیاز به دفاع از عملکرد خود داشته باشد. در حالی که کمتر از یک هفته از دیدار تاریخی دونالد ترامپ و رهبر کره شمالی و از آن مهم تر توافق حاصل از آن می گذرد اما در صحنه بین المللی و به ویژه در عرصه سیاسی آمریکا و متحدان آن به هیچ وجه دیدگاه مشترکی درباره نتایج این دیدار وجود ندارد. کاخ سفید توافق انجام شده با کره شمالی را یک برد تاریخی بیان می کند که در آن بدون دادن امتیازات بزرگی به پیونگ یانگ این کشور را وادار به خلع سلاح کرده است. اما منتقدان با چنین خوش بینی به توافق مذکور نگاه نمی کنند و درباره نتایج نشست ترامپ-اون دستاوردهای کره را بیش از آن چه که کاخ سفید مدعای آن است ذکر می کنند. یکی از اصلی ترین انتقادات به عملکرد ترامپ در گام نهادن به سنگاپور نداشتن اطمینان از اراده جدی پیونگ یانگ به پذیرش خلع سلاح، حداقل با این شتاب و به صورتی که کاخ سفید ادعا دارد، است. در همین زمینه «چاک شومر» رهبر اقلیت دموکرات سنا ضمن انتقاد از توافق حاصل شده بین آمریکا و کره شمالی، گفت که «دونالد ترامپ» اهرم فشار را در مذاکرات هسته ای با پیونگ یانگ، تسلیم اون کرد. این قانون گذار آمریکایی توافق به دست آمده بین ترامپ و کیم را بسیار نگران کننده و مبهم خواند و گفت: این توافق فاقد جزئیات لازم است. «کریستوفر کانز» عضو کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، مقامات کاخ سفید را برای مذاکره سخت با کره شمالی ضعیف دانست و گفت: توافق تنها دست دادن در برابر دوربین ها نیست بلکه نیازمند اقدامات دشواری است که دیپلمات های ترامپ آماده انجام آن نیستند. «ریچارد هاس» رئیس شورای روابط خارجی آمریکا نیز با انتشار رشته توئیت هایی از بیانیه «آرمانی» نشست سنگاپور انتقاد کرد. هاس در حساب توئیتری خود نوشت: "هیچ تعریفی از خلع سلاح داده نشده، جدول زمانی ندارد و در آن به جزئیات فرایند راستی آزمایی اشاره ای نشده است. نگران کننده ترین چیز درباره تمام این ها آن است که آمریکا در مقابل، قید چیز محسوسی را چون رزمایش های نظامی آمریکا- کره جنوبی زد". "دونالد ترامپ از رزمایش های آمریکا و کره جنوبی با عنوان بازی های جنگی تحریک آمیز نام برد. وی همچنین در اقدامی نگران کننده بدون هیچ تضمینی در خصوص کاهش تهدید نظامی کره شمالی، از تخلیه نیروهای آمریکایی گفت. این اظهارات و نمونه های مشابه آن که از سوی بسیاری از منتقدین داخلی سیاست های ترامپ اعلام می شود، موجب واکنش مقامات آمریکا برای کاهش فشارها بر خود شده است. ترامپ گفت: "صادقانه، من فکر می کنم او این کارها را انجام خواهد داد." پس از آن نیز مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا که برای رفع نگرانی های کره جنوبی به سئول سفر کرد اعلام کرد که آمریکا امیدوار است تا سال ۲۰۲۰ میلادی کره شمالی «خلع سلاح گسترده» بشود اما هنگامی که از وی پرسیده شد که چرا این جدول زمانی در توافق ذکر نشده است این سوال را توهین آمیز و مسخره خواند. با این حال واقعیت این است که تجربه مذاکره با کره شمالی نشان داده است که پرسش و به عبارت بهتر شبهه مطرح شده در شرایط کنونی کاملاً موضوعیت دارد. پیونگ یانگ از زمان مطرح شدن این مذاکرات، موضوع خلع سلاح یک جانبه را رد کرده است. در واقع کره شمالی خواستار برداشته شدن «چتر هسته ای» حمایتی آمریکا از سر کره جنوبی است که اکنون موفق شده در توافق با آمریکا خواسته خود را رسمیت بخشد یعنی پذیرش شبه جزیره بدون سلاح های هسته ای از سوی آمریکا. در واقع در حالی که پذیرش خلع سلاح از سوی کره به هیچ عنوان موضوعی جدید نیست (بین سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷، و در جریان مذاکرات شش جانبه کره شمالی قول داد که برنامه های هسته ای موجود خود را متوقف کند)، اما پذیرش برچیدن تمامی سلاح های هسته ای در شبه جزیره و خاتمه دادن به رزمایش های مشترک با کره جنوبی از سوی آمریکا پدیده ای بی سابقه است. از سوی دیگر چین و روسیه به عنوان دیگر بازیگران عمده نقش آفرین در پشت پرده مذاکرات از خواسته پیونگ یانگ برای دریافت تضمین امنیتی به شکل کاهش محسوس حضور نظامی در منطقه حمایت می کنند. بنابراین در شرایطی که تیم آمریکا بدون اطمینان از خلع سلاح کره بر اساس منافع حیاتی خود یعنی حفظ توانمندی های هسته ای در شبه جزیره برای مقاب